پیامدهای انتفاضه مسلحانه کرانه باختری بر امنیت لرزان رژیم صهیونیستی

■ سید محمد امین آبادی

اشاره
فلسطین آبستن حوادث بسیار بزرگی است، همه تحولات از آمادگی کرانه باختری برای شروع انتفاضه سوم حکایت دارد. شکست سهمگین رژیم صهیونیستی در جنگ اخیر غزه و تحمیل آتش بس به این رژیم، گفتمان مقاومت مسلحانه را در کرانه باختری به مرتبه هژمونیک رسانده است و گردان‌های مقاومت اعلام کرده‌اند که انتفاضه سوم در کرانه باختری مسلحانه خواهد بود. فلسطین به سرعت به سمت یک جنگ سرنوشت‌ساز در حال حرکت است و سوال روز این است که مسلح کردن مردم کرانه باختری در این شرایط چه پیامدهایی بر امنیت لرزان رژیم صهیونیستی خواهد داشت؟

فلسطین دوران بسیار پر تنشی را سپری می‌کند در هفته‌های اخیر و به خصوص پس از تحمیل آتش‌بس به رژیم صهیونیستی پس از جنگ غزه تنش‌ها در کرانه باختری و قدس شرقی به شدت بالا رفته است. دولت نتانیاهو تحت فشار شدید احزاب مخالف به دلیل شکست از مقاومت در غزه به دنبال انتقال بحران به کرانه باختری است. اقدامی که تاکنون کاملا نتایج معکوس به بار آورده است.

افزایش شهرک‌سازی‌ها در سرزمین‌های اشغالی، هتک حرمت چندین باره مسجدالاقصی از سوی صهیونیست‌های افراطی با چراغ سبز رژیم اسرائیل، افزایش درگیری‌ها بین فلسطینیان و صهیونیست‌ها در اراضی اشغالی، تفتیش خانه به خانه فلسطینیان در کرانه باختری، یورش روزانه صهیونیست‌ها به مسجدالاقصی و ممانعت از ورود نمازگزاران به قدس، همه و همه حکایت از واکنش‌های هیستریک تل‌آویو به شکست اخیر دارد. مقامات سیاسی و امنیتی رژیم صهیونیستی هنوز نتوانسته‌اند خود را از کابوس شکست اخیر رها کنند.

انجام سه عملیات استشهادی در فاصله کمتر از یک ماه در قدس اشغالی نیز برخی از تحلیل‌گران را بر آن داشته است که تحولات شتابان اخیر را انتفاضه سوم نام‌گذاری کنند. اظهارات و اقدامات مقامات سیاسی و امنیتی رژیم صهیونیستی نیز از ترس رژیم صهیونیستی از شروع انتفاضه سوم حکایت دارد.

اراضی اشغالی همواره صحنه درگیری بین مردم فلسطین و نظامیان صهیونیست بوده ولی تحولات جاری و شدت درگیری‌ها نشان از ورود تحولات به مرحله جدیدی دارد آنچه که حساست فوق‌العاده‌ای را به اعتراضات اخیر داده، این است که براساس تحلیل کارشناسان و اظهارات مقامات ارشد جریان‌های مقاومت در صورت شروع انتفاضه جدید در کرانه باختری این‌بار دیگر انتفاضه با سنگ نخواهد بود و جریان مقاومت با روحیه‌ای که از جنگ اخیر غزه گرفته است کرانه باختری را نیز صحنه جنگ مسلحانه علیه اشغالگران صهیونیست خواهد کرد.

گروه‌های مقاومت اعلام کرده‌اند که در صورت ادامه اهانت صهیونیست‌ها به مسجدالاقصی این بار دیگر مثل دفعات قبل نیست و تمامی گزینه‌ها در خصوص مسجدالاقصی روی میز است و مقاومت در راس همه آن گزینه‌ها قرار دارد و هر وجب از خاک فلسطین به صحنه درگیری با دشمن تبدیل خواهد شد. گردان‌های مقاومت در غزه نیز همزمان با تشکیل ارتش مردمی اعلام کرده‌اند برای انجام عملیات استشهادی برای دفاع از مسجدالاقصی آماده هستند.

رژیم صهیونیستی اقدامات متعددی را برای جلوگیری از شروع انتفاضه جدید در کرانه باختری به اجرا گزارده است که به اختصار می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

نشان دادن مشت آهنین و استقرار انبوهی از نیروهای امنیتی در بیت المقدس و تبدیل قدس شرقی به پادگان نظامی.

ایجاد ایست بازرسی‌های متعدد و استقرار موانع برای جلوگیری از تجمع فلسطینیان.

کابینه رژیم صهیونیستی همچنین طرحی را تصویب کرده که براساس آن معترضان فلسطینی که اقدام به پرتاب سنگ کنند، ممکن است با محکومیت حبس ۲۰ ساله مواجه شوند این مجازات شامل جریمه مالی، تخریب منزل، زندان و تبعید به غزه نیز می‌شود.

نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی به همراه رئیس سازمان اطلاعات این رژیم در حال بررسی طرحی برای تبعید ساکنان قدس به نوار غزه هستند تا بافت جمعیتی قدس را تغییر دهند. بنیامین نتانیاهو اعلام کرده است قوانین سخت‌تری را اجرا خواهد کرد تا آرامش و امنیت را به هر گوشه از بیت‌المقدس بازگرداند.

به موازات افزایش تنش‌ها و درگیری‌ها و تجاوزات رژیم صهیونیستی علیه ملت فلسطین و مقدسات اسلامی تشکیلات خودگردان فلسطین نیز طرح محمود عباس را برای شناسایی دولت فلسطین از سوی سایر کشورها پیش می‌برد برخی از کشورها نیز در جهان اعلام کرده‌اند که دولت مستقل فلسطینی را به رسمیت خواهند شناخت.

طرحی که رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین از آن سخن می‌گوید از این قرار است که با حمایت جبهه غربی - عربی یک دولت مستقل فلسطین مرزهای سال ۱۹۶۷ در کنار رژیم اسرائیل تشکیل شود. براساس این طرح قرار است دولت فلسطینی به عنوان عضو کامل در سازمان ملل به رسمیت شناخته شود که این امر مستلزم تأیید شورای امنیت سازمان ملل است. اعلام این طرح در ابتدا با جنجال رسانه‌ای گسترده‌ای همراه بود اما آیا این طرح عملی است؟ آیا تشکیل دولت مستقل فلسطینی در کنار رژیم اسرائیل منافع ملت فلسطین و جریان مقاومت را تامین می‌کند؟

مجموعه دلایل و شواهدی که نشان می‌دهد طرح محمود عباس و تشکیل دولت مستقل فلسطینی در مرزهای سال ۱۹۶۷ به شکست منجر خواهد شد و منافع ملت فلسطین را در این برهه حساس که فلسطین آماده خیزش مسلحانه است تامین نمی‌کند شامل موارد زیر است؟

تشکیل دولت فلسطینی در مرزهای سال ۱۹۶۷ به منزله چشم پوشی اسرائیل از ساحل غربی و از جمله بخش شرقی بیت المقدس و صدها شهرک یهودی نشین با جمعیتی حداقل ۵۰۰ هزار نفری است. ماهیت توسعه طلب رژیم اسرائیل هرگز نمی‌پذیرد که چنین امتیازی را به تشکیلات خودگردان بدهد.

«یووال اشتینیتز» وزیر اطلاعات رژیم صهیونیستی اخیرا عقب‌نشینی از کرانه باختری را مانند خودکشی برای رژیم صهیونیستی توصیف کرده و در مصاحبه خود با خبرگزاری «بلومبرگ»، سه بار در کمتر از ۸ دقیقه تاکید کرده است «عقب‌نشینی از کرانه باختری تحت شرایط کنونی، مانند خودکشی است.»

رژیم صهیونیستی نگران است که خروج از کرانه باختری مثل غزه این منطقه را در اختیار جریان مقاومت قرار دهد، لذا از پیش شرط‌های اصلی این رژیم برای تشکیل دولت مستقل فلسطینی این است که حماس و جهاد اسلامی خلع سلاح شده و نوار غزه به طور کامل در اختیار تشکیلات خودگردان قرار گیرد تا اسرائیل مجوز خروج از نوار غربی را صادر کند؛ امری که تقریبا محال به نظر می‌رسد.

تشکیل دولت مستقل فلسطینی قبل از شناسایی توسط دولت‌ها باید مورد تائید شورای امنیت و ۵ عضو دائمی این شورا قرار گیرد، واشنگتن صراحتا اعلام کرده است با این طرح در شورای امنیت موافقت نخواهد کرد. به دلیل همپیمانی استراتژیک آمریکا و اسرائیل واشنگتن نیز دغدغه‌های امنیتی مشترکی با تل‌آویو مثل خلع سلاح مقاومت در نوار غزه را دارد.

صرف شناسایی تشکیلات خودگردان به عنوان دولت مستقل فلسطینی این بحران ۶۶ ساله را حل نخواهد کرد چرا که بیش از ۸۰درصد فلسطین در اختیار رژیم صهیونیستی باقی خواهد ماند، مسئله ۵ میلیون آواره و شهرک‌سازی‌های رژیم صهیونیستی نیز حل نخواهد شد.

اسرائیل تشکیل دولت فلسطینی را در اتاق مذاکرات سازش جست و جو می‌کند از این رو، از منظر تل‌آویو به رسمیت شناختن دولت مستقل فلسطینی باید ماحصل نتیجه‌گیری موفقیت‌آمیز از مذاکرات مستقیم سازش میان اسرائیل و تشکیلات خودگردان فلسطین باشد. اگر قرار بود منافع ملت فلسطین از درون مذاکرات سازش تامین شود تاکنون بعد از صدها دور مذاکره در این ۶۶ سال باید این مذاکرات به نتیجه می‌رسید. خروجی مذاکرات سازش هرچه باشد قطعا به نفع ملت فلسطین نخواهد بود.

مقاومت یا سازش؟

تحولات اخیر در دو جبهه میدانی شامل افزایش تنش‌ها از یک سو و تلاش‌های دیپلماتیک تشکیلات خودگردان در جبهه سیاسی این سؤال را در اذهان متبادر می‌کند که سرزمین فلسطین و کرانه باختری آمادگی پذیرش کدام راه حل را دارد؟ سئوال دیگری که با توجه به تحولات اخیر می‌توان آن را مطرح کرد این است که در صورت شروع انتفاضه جدید آیا آمادگی برای تسلیح کرانه باختری که رهبر معظم انقلاب طی سخنرانی‌های اخیر خود بر آن تاکید کرده‌اند وجود دارد یا خیر؟

چنان که گفته شد رژیم اسرائیل تنها راه تشکیل دولت مستقل فلسطینی را از مسیر مذاکرات به اصطلاح سازش جست‌وجو می‌کند و به هیچ وجه نیز حاضر نیست تا خلع سلاح حماس و جهاد اسلامی امتیازی به طرف فلسطینی بدهد. در واقع رژیم اسرائیل تنها راه حل را مذاکره می‌داند و در مذاکره نیز حاضر نیست سازش کند و امتیازی هر چند ناچیز بدهد. از سوی دیگر پذیرش طرح محمود عباس به منزله صحه گذاشتن و مشروعیت بخشیدن به دولت صهیونیستی در سرزمین فلسطین و خط بطلانی بر آرمان فلسطین محسوب می‌شود.

از سال ۱۹۴۸ تاکنون صدها دور مذاکرات علنی و محرمانه بین اعراب و اسرائیل برگزار شده و خروجی این مذاکرات تاکنون هیچ نفعی به حال ملت فلسطین نداشته است و تنها و تنها نتیجه مذاکرات سازش اشغال‌گری بیشتر، کشتار زنان و کودکان فلسطینی بیشتر، شهرک‌سازی بیشتر و آواره شدن بیشتر فلسطینی‌ها از سرزمین آبا و اجدادی خود بوده است، اما در نقطه مقابل می‌توان به ثمرات گفتمان مقاومت در منطقه خاورمیانه اشاره کرد.

جریان مقاومت در لبنان، فلسطین و هم اکنون در یمن، بحرین و عراق با الهام از گفتمان مقاومت تاکنون پیروزی‌های شگفتی را نصیب امت اسلامی و سرزمین فلسطین کرده است که به اختصار می‌توان به موارد زیر اشاره کرد؛

عقب‌نشینی رژیم صهیونیستی از جنوب لبنان پس از ۱۸ سال اشغالگری (۲۰۰۰م)

عقب‌نشینی رژیم صهیونیستی از داخل نوار غزه و واگذاری آن به حماس از روی ناچاری (۲۰۰۵م)؛

عقب‌نشینی کامل رژیم صهیونیستی از جنوب لبنان در سال ۲۰۰۵م؛

شکست خفت‌بار اسرائیل در جنگ ۳۳ روزه از حزب‌الله لبنان و پایان افسانه شکست‌ناپذیریِ ارتش این رژیم و کشیده‌شدن جنگ به عمق خاک سرزمین‌های اشغالی (۲۰۰۶م)

شکست رژیم صهیونیستی در جنگ ۲۲ روزه غزه (۲۰۰۸م)؛

شکست رژیم اسرائیل در جنگ هشت روزه غزه و قبول آتش‌بس (۲۰۱۲م)؛

شکست رژیم صهیونیستی در جنگ ۵۰ روزه اخیر غزه و ناکامی در تحقق همه وعده‌های اعلامی جنگ.

توقف مهاجرت یهودیان به سرزمین‌های اشغالی و شروع فزاینده مهاجرت معکوس به دلیل نبود امنیت جانی و فروپاشی چتر دفاعی اسرائیل؛ موسوم به گنبد آهنین به دنبال اصابت موشک‌های حماس و حزب‌الله به عمق شهرهای صهیونیست نشین

کرانه باختری آماده انتفاضه مسلحانه

شکست سهمگین رژیم اسرائیل در جنگ اخیر غزه از یک سو و شکست مذاکرات سازش در تحقق منافع ملت فلسطین از سوی دیگر شرایط را به نفع گفتمان مقاومت تغییر داده و اکنون گفتمان مقاومت مسلحانه به خصوص در کرانه باختری در حال رسیدن به منزلت هژمونیک است.

مردم و گروه‌های مقاومت در کرانه باختری به خوبی و به درستی به این استنباط رسیده‌اند که وقتی مقاومت در غزه با وسعت و جمعیت کم می‌تواند به ارتش اسرائیل غلبه کند پس می‌توان در ساحل غربی نیز به این هدف دست پیدا کرد و راهبرد مقاومت در غزه را در ساحل غربی و در مقابل رژیم صهیونیستی پیاده کرد آمادگی ذهنی و روانی ساکنان ساحل غربی و آمادگی بسترهای اجتماعی در این منطقه برای شروع انتفاضه سوم و سیر شتابان تحولات نشانه‌هایی از فراهم شدن بسترها برای شروع تحولی بزرگ در ساحل غربی است.

اثبات گزاره فوق را می‌توان به خوبی در نظرسنجی‌های انجام شده بعد از جنگ اخیر غزه مشاهده کرد؛ براساس نظرسنجی‌های موجود، برای نخستین‌بار بیش از ۸۵ درصد مردم ساحل غربی از اقدامات مقاومت در غزه علیه صهیونیست‌ها حمایت کرده‌اند. نظرسنجی مرکز تحقیقات سیاسی فلسطین نیز نشان می‌دهد که ۶۱ درصد از فلسطینی‌ها در صورتی که انتخابات همین امروز برگزار شود اسماعیل هنیه، رهبر ارشد حماس را به عنوان رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین انتخاب می‌کنند. براساس همین نظر سنجی محبوبیت جنبش حماس در کرانه باختری و نوار غزه به طرز شگفت‌انگیزی افزایش پیدا کرده است. این نظرسنجی همچنین نشان می‌دهد بیشتر فلسطینی‌ها یعنی ۷۲ درصد از آنها از رویکرد نظامی و مسلحانه حماس در کرانه باختری حمایت می‌کنند.

بر اساس یک نظرسنجی دیگر که «مرکز فلسطینی برای تحقیقات سیاسی و آماری» آن را منتشر کرده است ۸۰ درصد فلسطینی‌ها بر این باورند اگر محاصره غزه پایان نیابد نبرد با رژیم صهیونیستی باید از سر گرفته شود.طبق این نظرسنجی، ۶۹ درصد از سؤال شوندگان نیز بر این باورند که حماس پیروز جنگ ۵۰ روزه بوده است. ۵۳ درصد نیز در کرانه باختری با خلع سلاح حماس مخالفند. این نظرسنجی نیز نشان داد اگر انتخاباتی در غزه برگزار شود، حماس اکثریت آرا را کسب خواهد کرد.

حمایت ۸۰ درصدی مردم در کرانه باختری از گزینه مقاومت مسلحانه مقابل رژیم صهیونیستی به خوبی مدعای ما را که گفتمان مقاومت در ساحل غربی به منزلت هژمونیک رسیده است ثابت می‌کند از سوی دیگر گروه‌های مسلح در ساحل غربی و از جمله در اردوگاه جنین نیز رسما اعلام کرده‌اند منتظر روز صدور دستور برای آغاز مبارزه مسلحانه هستند.

گذر زمان ثابت کرده است که گفتمان سازش و برگزاری صدها دور مذاکرات سازش طی ۶۶ سال گذشته هیچ عایدی برای ملت فلسطین نداشته و از سویی نیز تشکیل دولت مستقل فلسطین در کنار رژیم صهیونیستی منافع ملت فلسطین و امت اسلامی را تامین نمی‌کند لذا تنها گزینه پیش روی ملت فلسطین گزینه مقاومت است که امتحان خود را پس داده است. چنان که گفته شد ملت فلسطین با توجه به شکست گفتمان سازش چاره‌ای جز گزینه مقاومت ندارند و تسلیح کرانه غربی در شرایط کنونی تبدیل به یکی از مولفه‌های کلیدی گفتمان مقاومت شده است. به عبارت دیگر تنها راه برای عملیاتی کردن نظریه «یک دولت در سرزمین فلسطین» همان مسلح کردن ساحل غربی است که در صورت تحقق، تمامی معادلات استراتژیک را برهم زده و صحنه جنگ را تغییر خواهد داد. بر این اساس به فرموده رهبر معظم انقلاب جنگ بعدی جنگی سرنوشت ساز برای ملت فلسطین خواهد بود که تسلیح کرانه باختری نتیجه جنگ را رقم خواهد زد نگاهی به مزیت‌های ساحل غربی اهمیت فرمایش رهبر انقلاب را به خوبی ثابت می‌کند؛

۱- در صورت گشوده شدن جبهه جدید رژیم اسرائیل در سه منطقه مر لبنان، غزه و ساحل غربی با جبهه مقاومت درگیر شده و تقسیم نیروها و فشار روانی ناشی از آن صهیونیست‌ها را دچار ناتوانی در اتخاذ راهبرد مناسب خواهد کرد.

۲- فاصله بسیار کوتاه ساحل غربی از مراکز حساس سیاسی، اقتصادی و نظامی اسرائیل از جمله تل‌آویو، حیفا، اشدود، فرودگاه بن گورین و مرکز هسته‌ای دیمونا این امکان را به مقاومت خواهد داد که با تجهیزات بسیار ابتدائی‌تر و موشک‌هایی با برد کمتر از ۵۰ کیلومتر تمامی مراکز حساس رژیم صهیونیستی را هدف قرار دهد.

۳- حفر تونل‌ها از کرانه باختری توسط سربازان مقاومت می‌تواند عمق مراکز اشغالی و شهرک‌های صهیونیستی را دچار ناامنی شدید کرده و در موقع جنگ تبدیل به برگ برنده جدی برای جریان مقاومت شود.

۴- غزه ۳۶۰ کیلومتر مربع مساحت و یک میلیون و ۸۰۰هزار نفر جمعیت دارد در حالی که کرانه باختری با جمعیت ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار نفری و وسعت نزدیک به ۶ هزار کیلومتر در صورت مسلح شدن و تجمیع انرژی این منطقه با غزه و نزدیکی به مراکز حساس و عمق استراتژیک اسرائیل می‌تواند در جنگ آینده، به فرموده رهبر انقلاب سرنوشت جنگ را تعیین کند.

۵- حضور تعداد زیادی شهرک‌های صهیونیست در ساحل غربی و با جمعیت زیاد و در تیر رس بودن این شهرک‌ها به عنوان هدفی سهل‌الوصول در صورت تسلیح ساحل غربی معادلات صهیونیست‌ها را بر هم می‌زند.

۶- ناتوانی سامانه گنبد آهنین در جنگ اخیر غزه به خوبی ثابت شد. تسلیح کرانه باختری و انجام حملات از این منطقه به مراکزی سیاسی، نظامی، امنیتی و اقتصادی رژیم صهیونیستی به طور قطع رژیم صهیونیستی را در شرایط آسیب پذیرتری قرار خواهد داد و هیچ سامانه‌ای با توجه به کمی فاصله و نزدیکی صحنه نبرد نخواهد توانست با این حملات مقابله کند. جدای از این مسئله شلیک هم زمان موشک از نوار غزه و کرانه باختری رژیم صهیونیستی را به طور کامل مستعصل خواهد کرد.

۷- ناتوانی اسرائیل در مدیریت طولانی مدت جنگ و ورود همزمان نوار غزه و کرانه باختری به انتفاضه مسلحانه علیه رژیم صهیونیستی می‌تواند به طرز چشمگیری موازنه را به نفع جریان مقاومت تغییر داده و توان جبهه گسترده مقاومت برای شروع یک جنگ تمام عیار با رژیم صهیونیستی و مدیریت طولانی آن رژیم صهیونیستی را تا آستانه نابودی و فروپاشی کامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی پیش ببرد.

نتیجه‌گیری

کرانه باختری در موقعیت کنونی در بهترین و آماده‌ترین شرایط برای تسلیح و شروع انتفاضه مسلحانه قرار دارد. در واقع تسلیح ساحل غربی در شرایط کنونی یک انتخاب نیست بلکه الزام و اجباری است که باید محقق شود. تاکیدات رهبر معظم انقلاب نیز بر این اساس است رژیم اسرائیل تنها زبان زور می‌فهمد و تا فراهم شدن شرایط همه پرسی در سرزمین فلسطین تنها راه‌حل گزینه مقاومت است و از الزامات اصلی گزینه مقاومت نیز مسلح کردن ساحل غربی است که براساس برخی اخبار و گزارش‌ها و اظهارت مقامات عالیرتبه کشور تسلیح آن آغاز شده است. همه شواهد و قرائن از آمادگی ملت فلسطین برای شروع انتفاضه سوم حکایت دارد. علی‌رغم پیگیری تشکیلات خود گردان برای تشکیل دولت مستقل فلسطینی در کنار رژیم صهیونیستی ملت فلسطین گفتمان مقاومت را انتخاب کرده‌اند و جریان‌های مقاومت نیز اعلام کرده‌اند که انتفاضه سوم مسلحانه خواهد بود انتفاضه مسلحانه در کرانه باختری کابوس مرگباری است که در صورت شروع شاید این بار برای همیشه سرنوشت رژیم اسرائیل را تعیین کند.

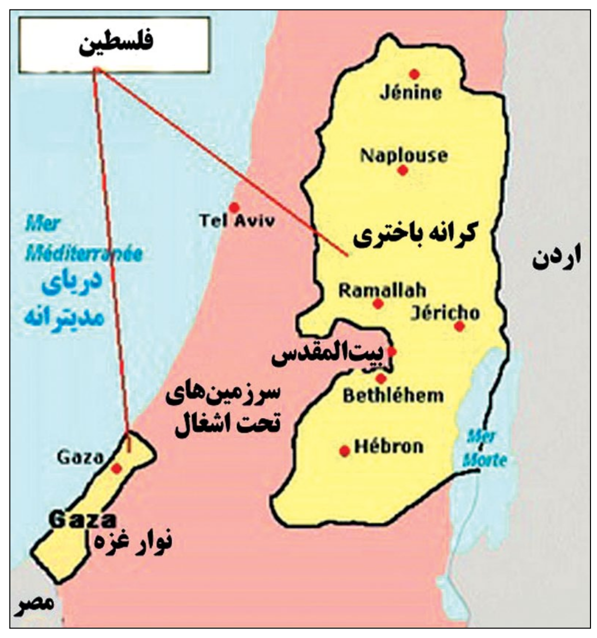

* تل‌آویو، حیفا، اشدود، فرودگاه بن‌گورین و مرکز هسته‌ای دیمونا در نزدیکی کرانه باختری قرار دارند و این امکان را به مقاومت می‌دهند که با موشک‌هایی با برد کمتر از ۵۰ کیلومتر آنها را هدف قرار دهد.

***

*مسلح کردن فلسطینی‌های ساحل غربی در شرایط کنونی یک انتخاب نیست، بلکه الزام و اجباری است که باید محقق شود.

* انتفاضه مسلحانه در کرانه باختری کابوس مرگباری است که در صورت شروع، شاید این بار برای همیشه سرنوشت رژیم اسرائیل را تعیین کند.

* جریان‌های مقاومت با روحیه‌ای که از جنگ غزه گرفته‌اند اعلام کرده‌اند که انتفاضه سوم در صورت شروع مسلحانه خواهد بود.

* انجام سه عملیات استشهادی در فاصله کمتر از یک ماه در قدس اشغالی نیز برخی از تحلیل‌گران را بر آن داشته است که تحولات شتابان اخیر را انتفاضه سوم نام‌گذاری کنند.

داعش پول و سلاح خود را چگونه تامین می‌کند؟

اشاره
جولان گروه تروریستی داعش در منطقه خاورمیانه و پیشروی سریع آنها در برخی مناطق عراق و سوریه با تجهیزات و سلاح‌های پیشرفته این سؤال را در اذهان تحلیل‌گران مطرح کرده است که منابع مالی و تسلیحاتی این گروه تروریستی از کجا تامین می‌شود؟ به طور اختصار می‌توان در تامین منابع مالی و تسلیحاتی داعش به نقش قدرت‌های جهانی، متحدان منطقه‌ای آمریکا در خاورمیانه، منابع حاصل از فروش حوزه‌های نفتی تصرف شده و غارت و چپاول اشاره کرد این مقاله که اندیشکده تبیین آن را منتشر کرده، به صورت مبسوط این مسئله را مورد توجه قرار داده است.

۱. کمک‌های خارجی از طریق قدرت‌های بین‌المللی و برخی از کشورهای حوزه خلیج‌فارس، رژیم صهیونیستی و اردن.

۲. بهره‌برداری از منابع نفتی در مناطق تحت سلطه آن در سوریه و عراق.

۳. قاچاق، چپاول و تحمیل مالیات بر ساکنان و تجار مناطق تحت نفوذ.

۱. کمکهای خارجی

۱-۱ نقش قدرت‌های جهانی

بیشترین و مهمترین منبع مالی و تسلیحاتی داعش کمک‌های خارجی است که در زمان بالقوه بودن داعش، این مورد بنیان‌های اولیه این تفکر افراطی را سامان داد. کمک‌های خارجی به دو شکل کمک‌های قدرت‌های فرا منطقه‌ای و منطقه‌ای صورت گرفته است. قدرت‌های فرا منطقه‌ای نظیر واشنگتن و لندن زمینه‌های بین‌المللی شدن این گروه تروریستی را فراهم نمودند و با آموزش و کمک‌های تسلیحاتی این گروه‌ها در خاک رژیم صهیونیستی، عربستان و ترکیه در پی اهداف بلندمدت و کوتاه‌مدت خود بوده‌اند. علل و انگیزه‌های حمایت واشنگتن و لندن از داعش را باید در موارد زیر جست و جو کرد:

الف -تنگ کردن حلقه امنیتی و کاستن از نقش تهران در روند نقش‌آفرینی در بغداد پس از سقوط دولت صدام مخدوش نمودن چهره اسلام، تجمع مسلمانان افراطی در یک کانون، دامن زدن به مؤلفه‌های تضادزای خاورمیانه نظیر اختلاف بین تسنن و تشیع، به سایه کشاندن موضوع غزه و بیداری اسلامی در خاورمیانه، پدیدآوردن بحران در سیستم آشوب‌زای خاورمیانه و مدیریت آن و در آخر رفتن به سمت تغییر چهره ژئوپولتیکی خاورمیانه.

«پولاک»، پژوهشگر ارشد مرکز سابان، معتقد است که پس از حمله یک‌جانبه آمریکا به عراق و سرنگونی حکومت بعث و قدرت گرفتن شیعیان، بسیاری از سنی‌های عراقی عضو القاعده در خارج از مرزهای عراق، به ارسال سلاح و پول برای جنگ علیه شبه‌نظامیان شیعه پرداخته‌اند. با گذشت زمان القاعده با کادر خارجی در عراق به استخدام محلی پرداخته و توانسته بسیاری از نیروهای بریگارد انقلاب ۱۹۲۰، انصار اهل سنت، آل محمد و رجال‌الطریقه نقشبندیه را به خود جذب نماید تا بتواند بخشی از زمینه را برای تشکیل یک خلافت اسلامی فراهم نماید.

در حقیقت ریشه‌های سامان یافتن این گروه تروریستی را علاوه بر بنیان‌های وهابی آن باید در سیاست‌های پس از صدام توسط قدرتها جست. «گلوبال ریسرچ» در این مورد بیان نمود که داعش ساخته واشنگتن است و هدف واشنگتن مقابله با قدرت فزاینده تهران است. محسن عوض در ژوئن ۲۰۱۱ در مقاله‌ای تحلیلی در مورد سیاست واشنگتن در روند دموکراسی‌سازی در عراق بیان می‌کند که اشغالگران آمریکایی، ارتش و امنیت عراق را نابود کرده و حکومتی با زیربنای طایفه‌ای بنیان نهادند، چند دستگی را تقویت کرده و دولت را تضعیف کردند و با تحریک سران طوایف و حمایت از آنان، خواسته‌های مردم را از حکومت ملی تا سطح خواسته‌های نژادی و عشیره‌ای و مذهبی تنزل دادند و دولت را در سراشیبی تقسیم و تجزیه قرار داده و با توجه به تمام تأثیرات استراتژیک نفت برای اعمال فشار در منطقه برای آینده نفت عراق نیز برنامه‌ریزی کردند

«جفری اسمیت» نیز در مطلبی تحت عنوان «داعش سلاح‌هایش را از کجا به دست آورده است؟ بسیاری از سلاح‌هایی که این گروه در عراق و سوریه استفاده می‌کند از آمریکا آمده است» می‌نویسد :

«یک گروه مستقل نظارت بر تسلیحات مدارکی جمع‌آوری کرده است که نشان می‌دهد گروه داعش از سلاح‌ها و مهمات ساخته شده در ۲۱ کشور از جمله آمریکا استفاده می‌کند

گروه تحقیقات تسلیحات نظامی مستقر در لندن کارشناسان خود را برای شناسایی نوع و منشأ سلاح‌ها به مناطق جنگی اعزام و بر همین اساس اطلاعات جدیدی منتشر کرده است. در گزارش اخیر این گروه که با حمایت مالی اتحادیه اروپا گردآوری شد، به منشأ بیش از ۱۷۰۰ گلوله و فشنگ اشاره شده است که در ماه‌های ژوئیه و اوت در جنگ میان نیروهای کرد با داعش در شمال عراق و سوریه جمع‌آوری شد. در این گزارش آمده است آمریکا نیز از تأمین‌کنندگان اصلی سلاح برای داعش است و ۳۲۳ گلوله و فشنگ متعلق به آمریکا بوده است.»

۲-۱ متحدان منطقه‌ای واشنگتن

در میان کشورهای عربی، حکومت‌های عربستان، کویت، قطر و امارات بیشترین کمک مالی را به تروریست‌ها از جمله داعش در سوریه انجام داده‌اند. علاوه بر این، افراد ثروتمند در کشورهای عربی نیز میلیون‌ها دلار در اختیار داعش قرار داده‌اند و از رهبران و اعضای ارشد آنها میزبانی می‌کنند. «گونتر مایر»، مدیر مرکز مطالعات جهان عرب در دانشگاه ماینز آلمان، چندی پیش اعلام کرد تردیدی ندارد حمایت کشورهای عربی حاشیه خلیج‌فارس به ویژه عربستان، قطر، کویت و امارات منبع اصلی مالی داعش محسوب می‌شود. گونتر مایر علت حمایت مالی این کشورها از داعش را به نوعی حمایت از آنها در مقابل بشار اسد در سوریه عنوان کرد. همچنین مایر به این نکته اشاره می‌کند که سعودی‌ها به خوبی از مخاطرات بازگشت تروریست‌های داعش به عربستان و امکان کودتای آنها علیه نظام سعودی آگاه هستند. در حقیقت عربستان سعودی و دیگر کشورهای عربی خلیج فارس با استفاده از عراق به عنوان یک کانال، اقدام به کمک به مخالفان در سوریه و عراق نمودند. از دیدگاه سعودی‌ها قبایل سنی این منطقه مرزهای گسترده با شمال و شرق عربستان داشته و بنابراین عربستان و دول خلیج فارس اقدام به ارائه کمک‌های بسیار گسترده نیرو و تجهیزات نمودند و معتقد بودند که نگاه ما به جنگ داخلی عراق همانند سوریه است.

ترکیه نیز از مهم‌ترین حامیان داعش بوده که زمینه‌های آن را فراهم نمود و در این راه کمک‌هایی را به این گروه اختصاص داده است و علاوه بر کمک‌های مالی به آموزش نیروها و خرید نفت از داعش پرداخته است. نیویورک‌تایمز در این مورد بیان داشته که ترکیه بیشترین سهم را در جذب اتباع خارجی داعش دارد.

۲. بهره‌برداری از منابع نفتی

در مورد بهره‌برداری از منابع نفتی به دست آمده در مناطق تحت سلطه آن در سوریه و عراق نیز باید گفت که تروریست‌های داعش پس از ورود به موصل و تکریت نیز بر بخشی از منابع نفتی این منطقه سیطره یافتند و تلاش زیادی نیز انجام دادند تا بر منطقه مهم بیجی تسلط پیدا کنند. موضوع مهم این است که تروریست‌های داعش دارای دلال‌هایی در بخش نفت هستند که نفت تحت سیطره آنها را در بازارهای بین‌المللی می‌فروشند. در مورد منابع داعش، فرید زکریا در اوت ۲۰۱۴ از درآمد روزانه یک میلیون دلاری داعش خبر داد. چند کارشناس، در گزارش نفت عراق که در جولای ۲۰۱۴ منتشر کردند، اعلام کردند داعش با فروش نفت به خریداران در منطقه کردستان عراق، روزانه یک میلیون دلار درآمد کسب می‌کند. از سوی دیگر، بخش دیگری از نفتی که در اختیار تروریست‌های داعش قرار دارد توسط شرکت‌های بین‌المللی و تجار عرب خریداری می‌شود. «لوای الخطیب»، پژوهشگر مرکز بروکینگز در دوحه، در مصاحبه با شبکه سی‌ان‌ان درباره نقش نفت در درآمدهای مالی داعش می‌گوید: «داعش در جولای روزانه یک میلیون بشکه نفت عراق را به فروش رساند اما این میزان در اوت به روزی ۲ میلیون بشکه افزایش یافت. با این میزان فروش، داعش می‌تواند سالانه ۷۳۰ میلیون دلار درآمد نفتی کسب کند. داعش نفت را از طریق مرزهای ترکیه و اردن می‌فروشد. در واقع ترکیه بخشی از نیازهای نفتی خود را از طریق تروریست‌های داعش تأمین می‌کند.»

۳. غارت، چپاول و تحمیل مالیات

نیروهای داعش تنها در منطقه «النبوک» در کوه‌های قلمون در غرب سوریه، آثار باستانی را که قدمت آنها به بیش از ۸ هزار سال می‌رسد و ارزشی بیش از ۳۶ میلیون دلار دارد، غارت کردند و به قاچاقچیان فروختند. تروریست‌های داعش همچنین از طریق فروش کودکان و دختران عراقی و سوری، کسب درآمد می‌کنند. یکی دیگر از روش‌هایی که داعش از آن بهره می‌برد، تحمیل مالیات بر ساکنان و تجار مناطق اشغالی است که تحت کنترل دارد. در استان الرقه در شمال شرق سوریه که در اشغال داعش قرار دارد، برای مردم عادی و تجار بزرگ و کوچک، مالیات تعیین شده است و مردم نیز مجبور هستند این مبلغ را پرداخت کنند.

در عراق نیز همین شیوه اعمال می‌شود و داعش در مناطق تحت کنترل خود به ویژه بر اقلیت‌ها مالیات تحمیل کرده است. شورای روابط خارجی آمریکا اوت ۲۰۱۴ در گزارشی اعلام کرد داعش طی یک ماه در موصل ۸ میلیون دلار مالیات از تجار این شهر گرفته است. چپاول به اشکال مختلف و اخاذی به زور نیز دیگر منبع درآمدی مهم داعش است. منابع نقدی و درآمدهای داعش قبل از اشغال موصل، بالغ بر ۸۷۵ میلیون دلار بود اما با اشغال موصل و غارت اموال بانک‌ها، تسلیحات و منابع مردمی، سرمایه داعش به حدود ۲ میلیارد و چهارصد میلیون دلار افزایش یافت. داعش بعد از تهاجم به موصل تنها با دستبرد به بانک مرکزی این شهر بیش‌از ۵۰۰ میلیون دلار را سرقت کرد.

نتیجه‌گیری

تفکر افراطی داعش ریشه در اندیشه‌های وهابیت به رهبری مفتی‌های سعودی در محیط آشوب‌زای خاورمیانه دارد که توسط قدرت‌های غربی بالاخص آمریکا و انگلیس بر حیات خاورمیانه بسترسازی شده و منابع مالی و تسلیحاتی آن توسط کشورهای عربی حوزه خلیج‌فارس فراهم شده است. هر یک از این کشورها دارای منافع مشترکی بوده که در طول تقابل با منافع تهران، بغداد و دمشق دارند. همگامی کشورهای حامی داعش در ائتلاف آمریکایی در حقیقت حکایت از تحمیل هزینه‌های دیگر بر دوش کشورهای متحد واشنگتن دارد. رفتار دوگانه ائتلاف در مقابله با داعش هرگز به مسیر حمایت از دولت حیدرالعبادی و بشار نبوده، چراکه آنها عملیات هوایی خود را به سمت تغییر نقشه ژئوپولتیک منطقه سوق داده‌اند که در این سناریوی اشتباهات، نخبگان آنکارا عملاً ماشه بهره‌برداری از داعش را کشیده‌اند.

*یک گروه مستقل نظارت بر تسلیحات مدارکی جمع‌آوری کرده است که نشان می‌دهد گروه داعش از سلاح‌ها و مهمات ساخته شده در ۲۱ کشور از جمله آمریکا استفاده می‌کند.

***

* «گونتر مایر»، مدیر مرکز مطالعات جهان عرب در دانشگاه ماینز آلمان، تردیدی ندارم حمایت کشورهای عربی حاشیه خلیج‌فارس به ویژه عربستان، قطر، کویت و امارات منبع اصلی مالی داعش محسوب می‌شود.

***

* در میان کشورهای عربی، عربستان، کویت، قطر و امارات بیشترین کمک مالی را به تروریست‌ها از جمله داعش در سوریه انجام داده‌اند.

***